



دکتر مجید رضائیان

استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیزم

درد جهل - دُرْدانه آگاهی

درد، همیشه هم «بد» نیست، به ویژه اگر ما را به یاد «داشته‌های مان» بیندازد. گمان می‌کنم بالاترین درد، «درد جهل» است. جوامعی که به نور حقیقت دست یافته‌اند، نه تنها از دیو جهل فاصله گرفته‌اند، بلکه نمی‌گذارند جهل، حتی از در خانه وارد شود. بیماری جوامع توسعه نیافته، کار را به جایی رسانده که گویی با «درد خفتگی و ناآگاهی» خو گرفته‌اند و این، چه عادت زشتی است.

ترس از سرطان، این خاصیت را دارد که رفته رفته بیمار را آب می‌کند تا آنجا که گویی بیمار، «رفتن» را بیش از «ماندن» باور می‌کند و این همان نقطه‌ای است که می‌بایست از آن به «مرگ امید» یاد کرد. راه درمان و رهایی به باور اغلب متخصصان سرطان‌شناسی «احیای امید» و «غلبه بر سرطان» است. راه رهایی جوامع توسعه نیافته نیز از قضا در همین نکته نهفته است: «غلبه بر درد، خو نگرستن با جهل و احیای امید».

چهار دهه است که در کشور، فراز و فرودهای متعددی را طی کرده‌ایم. درسی که از این چهار دهه در برابر ما رخ می‌نماید، «شکستن شالوده‌های تاجر و آگرایی» و رفتن به سمت «بودن و آگاهی» است. ما «بودها» و «داشته‌ها»یمان را، هر گاه باور کرده‌ایم، از جا بلند شده‌ایم. امروزه کشور به احیای امید نیاز دارد. ما باید از بیماران مبتلا به سرطان که با امید و متکی به داشته‌هایشان، بر این خرچنگ غلبه می‌کنند، درس بیاموزیم. ما مدیون بیماران رها یافته‌ای هستیم که گام به گام خود را برای «بقا و بودن» آماده کرده‌اند.

اشتباه نکنیم این آماده شدن و این رها یافتگی، تنها یک فرایند پزشکی را طی نمی‌کند؛ از قضا همین هم نیازمند «دردانه آگاهی» است تا بیمار بتواند متکی به توانمندی‌ها و عنصر امید، آگاهانه این مسیر را طی کند، وگرنه از رهایی و سلامتی خبری نیست.

فلاسفه درست می‌گفتند که راه غلبه بر «محیط مادی» از «درک معانی» و «روح بلند» ناشی می‌شود، نه از عنصر مادی. انسان به تعبیر سقراط، موجودی است که برای شناخت هر پدیده و اثری، می‌بایست از «پرسش» آغاز کند. برای یافتن راه‌حل‌ها و درمان‌ها نیز باز نیازمند پرسشیم. چنانچه در تقدیر آدمی، همواره دو پرسش وجود دارد که با او زاده می‌شود و با او دفن خواهد شد: «چه هستیم؟ چه باید باشیم؟».

راه رسیدن از «موجود» به «مطلوب» در قاموس این دو پرسش نهفته است. بیمار از خود می‌پرسد: «الآن در چه موقعیتی هستیم؟» «چگونه درمان می‌شوم؟» این دو پرسش، برای درمان دردهای جامعه امروز ما نیز، نسخه‌ای شفافبخش قلمداد می‌شود.

در این میان، بی‌تردید «حس مسئولیت اجتماعی» نقطه‌ای برجسته است که ما را از موجود به مطلوب سوق خواهد داد. خیریه شمس نیز، دستان پر مهر خود را با اتکا به مسئولیت اجتماعی - بر سر بیماران مبتلا به سرطان - چونان چتری، قرار داده است تا این عزیزان، «حس تنهایی» و «مغلوب شدن» را از خود دور کنند و با «قدرت امید» بر هر دردی چیره شوند.